

## بررسی مقایسه‌ای انداز هم‌پوشانی روایات شیعه و سنی بار و یکر دتقریب بین مذاهب

سید جواد مؤمنی\*

### چکیده:

به رغم آن‌که ظاهراً به نظر می‌رسد میان دو گرایش عمده جهان اسلام [شیعه امامیه و اهل سنت]، ناهم‌گونی‌ها و شکاف‌های برجسته و چشم‌گیری باشد و چه بسا درگیری‌ها و کشاکش‌های تاریخی نیز به این گمان نادرست دامن می‌زند، اما در واقع، مشترکات این دو فرقه اسلامی و هم‌گرایی‌های آنان بیش از مفارقات و واگرایی آنان است. یکی از زمینه‌های اشتراک، دنیای نقل و نشر حدیث است که بررسی هرچه دقیق‌تر آن نشان می‌دهد که روایات شیعه و سنی با آن‌که دو فضای متفاوت در نقل و نشر خود دارند، از هم‌پوشانی‌ها و نزدیکی‌های قابل توجهی برخوردارند. مقاله پیش رو، جستاری است پیرامون احادیث مشترک دو فرقه شیعه و اهل سنت. در این پژوهش، ضمن مقایسه احادیثی که جنبه‌ای از جوانب نزدیکی فرقه‌های اسلامی را نشان می‌دهد، تلاش شده تا در جهت تقریب مذاهب، دیدگاه جدیدی ارائه شود. به باور نگارنده، مسئله تقریب هنوز بر یک سری شعارها و قالب‌های احساسی تکیه دارد و از این رو، نیازمند بررسی محققانه است. در این مقاله، با بررسی تطبیقی احادیث، نشان داده شده است که اتحاد و تقریب میان مسلمانان امری منطقی، معقول و واقع‌بینانه است و آموزه‌های دو مذهب عمده جهان اسلام به هم نزدیک می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: هم‌پوشانی، تقریب بین مذاهب، روایات، شیعه، اهل سنت، احادیث مشترک، فرق اسلامی.

### مفاهیم و مبادی و تاریخچه تقریب و واگرایی مسلمانان مفهوم تقریب و اتحاد اسلامی

از اساسی‌ترین اهداف تقریب، اتحاد اسلامی است. اما در ارائه تعریف صحیح و شناخت مقصود اتحاد اسلامی تاملی لازم است.

\* کارشناس ارشد رشته الهیات.

به نظر نمی‌آید که مقصود از اتحاد، وحدت روش‌ها و شیوه‌های فقهی - اجتهادی (مثل شیوه‌های اخباری‌گری یا اصولی و...) باشد که اتحاد به این معنا هرگز محقق نشده است. (جنتانی، ۱۳۸۱ش، ص ۳۹۹).

هم‌چنین اتحاد به این معنا نیست که از میان مذاهب اسلامی، یکی برگزیده و سایر مذاهب کنار گذاشته شود و یا مشترکات آنها گرفته و مفترقات آن کنار گذاشته شود و بازگشت به طریقه سلف صالح پیش آید. (تهوری، ۱۳۸۴ ش، ص ۶۲). بنابراین می‌توان گفت: اتحاد اسلامی به معنای برطرف نمودن تمام اختلافات مربوط میان فرقه‌های مختلف اسلامی یا حصر مذاهب در یک مذهب و یا اخذ مشترکات و رد مفترقات و دست کشیدن پیروان فرقه‌های مختلف از برخی مبانی اعتقادی خود نیست. از این رو در تعریف آن گفته‌اند:

اتحاد اسلامی یعنی همکاری و تعاون پیروان مذاهب اسلامی بر اساس اصول مسلم و مشترک اسلامی و اتخاذ موضع واحد برای تحقق اهداف و مصالح عالی‌ه امت اسلامی و موضع‌گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به التزام قلبی و عملی هریک از مسلمانان به مذهب خود. (ر.ک: سایت [www.taghrib.ir](http://www.taghrib.ir))

### مبای‌دی تصدیقی تقریب

مسئله تقریب و اتحاد اسلامی از دیدگاه قرآن، سنت و پیشوایان مذاهب قابل تأمل و بررسی است.

الف: قرآن

\* دعوت به اتحاد:

«وَاغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» . (آل عمران/۱۰۳).

\* یکی دانستن مؤمنان:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» . (حجرات/۱۰).

\* برحذر داشتن از تفرقه:

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» . (آل عمران/۱۰۵).

### ب: سنت نبوی

تعییری که پیامبر ﷺ در مورد اعضای جامعه اسلامی به کار می‌برد، مثل اعضای یک پیکر نسبت به یکدیگر (مثل المؤمن فی توادهم وتراحمهم کمثل الجسد إذا اشتکی بعضه تداعی سائره بالسهر والحمی) (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۸، ص ۱۵۰ و بخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۷، ص ۷۷) یا پیوستگی اجزای یک ساختمان (المؤمن للمؤمن کالبیان، یشد بعضه بعضا) (ری شهری، ج ۱، ص ۲۰۸ و ابن حنبل، ج ۴، ص ۴۰۴)، تأکید و اصرار ایشان را به هم‌دلی جامعه اسلامی نشان می‌دهد. هم‌چنین ایشان در حدیثی، با هم بودن را رحمت و پراکندگی و تفرقه را عذاب معرفی کرده است «الجماعة رحمة والفرقة عذاب» (سیوطی، ۱۴۰۱ ق، ج ۱، ص ۵۶۱ و متقی هندی، ج ۳، ص ۲۶۶) و حتی در جایی اتحادستیزی را همسان کفر دانسته است: «من فارق الجماعة شبرا فقد خلع ربة الاسلام من عنقه» (سجستانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۴۲۶ و ری شهری، پیشین، ص ۴۰۶).

### ج: گفتار و سیره عملی پیشوایان دو مذهب

ائمه اطهار علیهم‌السلام هر کدام در دوره خویش، به سهم خود، در جهت تحقق اتحاد مسلمین همت گماشتند.

پس از رحلت پیامبر ﷺ اختلافات بر سر خلافت به شدت بالا گرفت. امام علی علیه‌السلام هر چند که خلافت را حق خود می‌دید ولی برای حفظ اسلام و پایه و اساس آن، از حق خود گذشت. (شریف رضی، ۱۳۷۹، ص ۱۰). آن حضرت می‌فرماید: «ایاکم والتفرق فإذا نزلتم فانزلوا جميعا وإذا رحلتم فارحلوا جميعا». (مجلسی، پیشین، ج ۳۲، ص ۴۱۱). پس از ایشان در زمان امام حسن علیه‌السلام در سال ۴۱ ه. ق معاهده صلح میان آن حضرت و معاویه بن ابی سفیان بسته شد و مردم با معاویه بیعت کردند. (طبری، ج ۴، ص ۲۳۹). علت اصلی و محوری این صلح، نگرانی امام حسن علیه‌السلام نسبت به کیان عالم اسلام بود. اهمیت اتحاد در کلام دیگر ائمه علیهم‌السلام نیز آشکار است. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «یا معشر المومنین تألفوا و تعاطفوا؛ ای گروه مؤمنان با هم الفت و عطف داشته باشید. (مجلسی، پیشین، ج ۱۵: ۱۸۷). سیره پیشوایان اهل سنت نیز در حرکت‌های اسلامی، بر دفاع و پشتیبانی و همراهی دیگر مذاهب بوده است. در گذشته، عالمان اهل سنت بر پشتیبانی از نهضت‌های شیعی فتوا داده‌اند. (از جمله آنها مالک بن انس است، که از قیام نفس زکیه حمایت کرد و به جانب‌داری از آن فتوا داد؛ طبری، پیشین، ج ۶، ص ۱۹۰). هم‌چنین، ابوالحسن اشعری می‌گوید: «گواه باشید، من هیچ یک از اهل قبله را به واسطه گناهی تکفیر نمی‌کنم؛ زیرا همه آنها به معبود واحد توجه دارند و اسلام همه را دربر می‌گیرد.» (جناتی، پیشین، ص ۴۰۴).

## سیر تاریخی اختلافات فرق و مذاهب اسلامی و جریان تقریب

در زمان حیات پیامبر ﷺ زمینه‌ای برای پیدایش اختلافات اعتقادی میان امت اسلامی پیش نیامد. همه مسلمانان پیامبر ﷺ را تنها مرجع دست‌یابی به احکام و قوانین الهی می‌دانستند. اما پس از رحلت آن حضرت، اختلافات شدیدی میان مسلمانان پدید آمد. نخستین و مهم‌ترین اختلاف اعتقادی، اختلاف بر سر امامت و خلافت پیامبر ﷺ بود. یکی از عوامل این اختلاف را تعصبات قبیله‌ای و پیروی از هوا و گرایش به منافع مادی، یاد کرده‌اند. (برنجکار، ۱۳۸۱، ص ۱۵). این اختلاف بر سر جانشینی پیامبر ﷺ اولین اختلاف و تفاوت رأی بود که در جامعه اسلامی به وجود آمد و عده‌ای به صراحت با خلافت ابوبکر مخالفت کرده و آن را نپذیرفتند که از جمله آنها علی رضی الله عنه و زبیر بودند.<sup>۱</sup> اما سرانجام، برای حفظ اتحاد اسلامی، علی رضی الله عنه نیز با ابوبکر بیعت کرد. تمام این مسائل باعث شد که برخی از بزرگان اهل سنت نیز علی رضی الله عنه را اولین بنیان‌گذار تقریب مذاهب بدانند. (امیر اردوش، ۱۳۸۴، ص ۳۲).

### حکومت امویان

حکومت امویان با انعقاد معاهده صلح میان امام حسن رضی الله عنه و معاویه در سال ۴۱ هـ. ق آغاز گردید (طبری، پیشین، ج ۴، ص ۲۴۰-۲۴۱). و این سال را به دلیل عقد چنین معاهده‌ای، «عام الجماعة» خواندند. (ابن کثیر، ۴۰۸ق، ج ۶، ص ۲۴۶). اما پس از آن که معاویه به سلطنت رسید، (در روایتی از معاویه آمده است که گفت: «رضینا بها ملکا»؛ پیشین) توافقات معاهده صلح را نادیده گرفت و به صورت آشکار با بسیاری از بزرگان صحابه به مشاجره پرداخت.<sup>۲</sup> این عوامل به طور طبیعی باعث نارضایتی برخی از مسلمانان شد و اتحاد اسلامی را به شدت تضعیف کرد. برخی از اقدامات وی، حتی عوامل زمینه‌ساز یک‌دلی و تقریب میان مسلمانان را نیز تحت الشعاع قرار داد. از جمله این عوامل سب علویان و به خصوص علی رضی الله عنه بود. (ابن ابی یعقوب، ج ۲، ص ۲۲۳ و ۲۳۰). امام علی رضی الله عنه در حالی مورد سب و لعن قرار گرفت که در جنگ صفین با گفتن: «انی اکره ان تکونوا سبابین» (مجلسی، پیشین، ج ۳۲، ص ۵۶۱)، سپاهیان خود را از بدگویی نسبت به سپاه معاویه بازداشته بود.

در دوران یزید بن معاویه وقایعی تأسفبار چون واقعه کربلا در سال ۶۱ هـ. ق و واقعه حره در سال ۶۳ و سنگ باران کردن کعبه و به آتش کشیدن آن در سال ۶۴ رخ داد (طبری، پیشین، ج ۴، ص ۳۷۴ و ۳۸۳) که

۱- حمید بن عبدالرحمن حمیری نقل می‌کند که: مردم با ابوبکر بیعت کردند اما علی و زبیر بیعت نکردند. زبیر شمشیر برهنه کرد و گفت آن را در نیام نیاورم تا با علی بیعت کنند (طبری، پیشین، ج ۲، ص ۴۴۴).

۲- در سخنی که از عایشه نقل شده است، معاویه در مورد قتل عثمان با بنی‌هاشم و برخی از اصحاب پیامبر ﷺ به مشاجره پرداخت. (عسکری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۲۷).

صدماتی عمیق و ترمیم‌ناپذیر بر پیکره امت اسلامی وارد آورد. از آن به بعد دشمنی و تفرقه میان مسلمانان تا جایی پیش رفت که حتی خلافت نیز پاره پاره شد<sup>۱</sup> و کسانی فرمانروایان مسلمین شدند که حتی ساده‌ترین حقوق مسلمانان را نادیده می‌گرفتند، چه رسد به آن‌که نظری به اتحاد مسلمین داشته باشند.<sup>۲</sup> البته نباید در این میان، حکومت عمر بن عبدالعزیز را فراموش کرد. او قوام دین را به عدل و احسان می‌دانست و هیچ چیزی را از آن مهم‌تر نمی‌شمرد. (طبری، پیشین، ج ۵، ص ۳۲۱). عده‌ای وی را به دلیل عدالتش، جزء خلفای راشدین دانسته‌اند. (ابن کثیر، پیشین، ج ۶، ص ۲۲۱. احمد بن حنبل درباره او می‌گوید: در میان تابعین تنها قول او حجت است). هرچند دوران خلافت او بسیار اندک بود، (۹۹-۱۰۱ ه. ق) اما اقداماتی که او در این مدت کوتاه انجام داد، باعث شد که شیعیان نیز به عدالت او اعتراف نمایند. (پیشین، ص ۲۸۰).

### حکومت عباسیان

پس از انقراض حکومت بنی امیه، ابوالعباس سفاح به عنوان اولین خلیفه عباسی از مردم بیعت گرفت و عهده‌دار خلافت شد. (ابن ابی یعقوب، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۹-۳۵۰). در این دوران شهرهای تحت حاکمیت اسلام دچار تجزیه سیاسی بود.

شام هم‌چنان طرفدار امویان<sup>۳</sup> و عراق نیز طرفدار علویان بود. (طبری، پیشین، ج ۶، ص ۱۷۶). عباسیان در ابتدا به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام تظاهر نموده و داعیه انتقام از امویان، به خاطر قتل امام حسین علیه‌السلام داشتند. حتی سفاح در ابتدا فدک را به حسن مثنی، بازپس داد و حسن قیم آن بود و منافع آن را میان فرزندان علی علیه‌السلام بخش می‌کرد.<sup>۴</sup> اما بعدها منصور تا آن‌جا پیش رفت که امام صادق علیه‌السلام را به حیره تبعید کرد. (ابن ابی یعقوب، پیشین، ص ۳۶۵).

۱- پس از مرگ یزید بن معاویه، عده‌ای از مردم در حجاز با عبدالله بن زبیر بیعت کردند. این در حالی بود که حکومت در شام هم‌چنان در دست امویان بود. ابن زبیر سرانجام در سال ۷۳ به دست حجاج بن یوسف کشته شد. (ابن کثیر، پیشین، ج ۸، ص ۲۶۲ و ۳۶۲).

۲- حجاج بن یوسف یکی از این فرمانروایان است. او از طرف عبدالملک بن مروان حاکم عراق شد و از جبارترین فرمانروایان تاریخ بشریت بود. (پیشین، ج ۶، ص ۲۶۶).

۳- نقل شده که چون حکومت ابوالعباس سفاح پا گرفت، ده تن از امیران شام به نزد او آمده و به خدا، طلاق زنان و آزاد کردن بندگان، سوگند یاد کردند که تا هنگام کشته شدن مروان (آخرین خلیفه اموی) نمی‌دانستند که رسول خدا خانواده و خویشانی جز بنی امیه دارد (ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۱۵۹).

۴- پس از آن‌که عمر بن عبد‌العزیز فدک را به اولاد فاطمه علیها‌السلام داد، یزید بن عبدالملک در زمان حکومتش، دوباره آن را بازپس گرفت و در دست بنی امیه بود تا زمان سفاح که آن را به حسن مثنی داد. چون منصور به خلافت رسید و فرزندان حسن بر او شوریدند، آن را بازپس گرفت و دیگر بار در دوران خلافت مهدی پسر منصور به آنها بازگردانده شد (حموی، ج ۴، ص ۲۳۹).

در دوران خلیفه دوم عباسی، جنبش‌هایی علیه حکومت مرکزی صورت گرفت که اگر چه رنگ حرکت‌های مذهبی علیه حکومت داشت، اما عامل سستی اتحاد میان مسلمین محسوب می‌شد. از جمله این حرکت‌ها، قیام نفس زکیه (محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن) ملقب به مهدی بود. وی در حجاز علیه خلیفه (منصور عباسی) شورید. خلیفه نیز عیسی بن موسی را همراه لشکری به سوی او روانه نمود. لشکر خلیفه در مدینه با نفس زکیه روبه‌رو شد و سپاه او را شکست داد و وی را در سال ۱۴۵ق به قتل رسانید. (ابن خلدون، ج ۴، ص ۷۰۴). علاوه بر این جنبش‌ها، برخی از مقامات مذهبی نیز مخالفت خود را با حکومت عباسیان اعلام کردند. از جمله آنها مالک بن انس بود که از قیام نفس زکیه حمایت کرد و به سود او فتوا داد. وی هم‌چنین به نقض بیعت منصور فتوا داد. (طبری، پیشین، ج ۶، ص ۱۹۰). عباسیان هم‌چنین برخی از همپیمانان خود را از بین بردند که مهم‌ترین آنها ابومسلم خراسانی بود. (ابن کثیر، پیشین، ج ۱۰، ص ۷۱).

#### اختلافات فرق و مذاهب اسلامی در ایران و جریان تقریب

حکومت صفویه پس از کشمکش‌های فراوانی که در پی مرگ تیمور در ایران حاصل شده بود، با تاج‌گذاری شاه اسماعیل در سال ۹۰۷ هـ / ۱۵۰۱ م، در ایران مستقر شد. (سیوری، ۱۳۸۲ش، ص ۲۹). شاه اسماعیل صفوی پس از ورود به تبریز، مذهب شیعه را مذهب رسمی دولت اعلام کرد. این درحالی بود که کل جمعیت تبریز به شدت سر مخالفت با شیعه را داشتند. ولی در هر صورت در آمیزی شیعه و سنی از زمان تهاجم مغولان در ایران رخ داده بود. (تاریخ ایران دوره صفویه، ۱۳۸۰ش، ص ۱۱ و ۱۲). در زمان شاه اسماعیل، سلطان بایزید دوم، پسر سلطان محمود دوم (فاتح قسطنطنیه)، سلطان عثمانی بود. در نتیجه سخت‌گیری شاه اسماعیل برای استقرار مذهب شیعه در ایران، جمعی از پیروان مذهب تسنن از ایران مهاجرت کرده و به دولت عثمانی پناهنده شدند. بایزید با ارسال نامه‌هایی، شاه اسماعیل را از سخت‌گیری نسبت به آنان برحذر داشت، ولی شاه اسماعیل به توصیه سلطان عثمانی اعتنا نکرد. (بیاتی، ۱۳۵۳ش، ص ۱۶۳-۱۶۶). این عوامل باعث تیره شدن روابط ایران و عثمانی و پدید آمدن جنگ‌های دو دولت شد که به نظر می‌آید اختلافات مذهبی در آن بی‌تأثیر نبود.<sup>۱</sup> پس از جنگ‌های فراوان ایران و عثمانی بر اثر اختلافات سیاسی - مذهبی که در دوره صفویه به وجود آمده بود، در زمان افشاریه، نادرشاه در ابتدا توجه ویژه‌ای به اتحاد مسلمانان نشان داد تا آن‌جا که یکی از شروطش برای پذیرش حکومت، منع سب و رفضی بود که شاهان صفوی آن را بنیان

۱- این اختلافات تا حدی بود که قبل از جنگ چالدران، سلطان سلیم دستور داد چهل هزار نفر شیعه را در اناتولی قتل عام کردند؛ (حجازی فر، ۱۳۷۴ش، ص ۸۵).

نهاده بودند. (شعبانی، ۱۳۷۸ش، ص ۳۸). نادر ضمن این‌که از مردم خواست از سب و رفض خلفای سه گانه راشدین دست بردارند و به معتقدات جامعه اهل سنت فلات ایران احترام بگذارند، نامه‌ای نیز برای سلطان عثمانی نوشت و درخواست‌های مذهبی خود را به اضافه میل به استقرار روابط سیاسی و آزادی اسیران جنگی، بیان نمود. (پیشین، ص ۵۴-۵۶).

## جریان تقریب در دوران معاصر

جریان اتحاد اسلامی در عصر حاضر وارد مرحله جدیدی شد؛ به این معنا که تا قبل از آن، جریان‌های ناهم‌سازگرا یا هم‌سازگرا، همگی از درون جامعه اسلامی برمی‌خاست و عاملان آن مسلمان بودند. اما در این مرحله عمده جریان‌های ناهم‌سازگرا از خارج از مرزهای مسلمین هدایت می‌شد. جریان استعمار که تفرقه را از عوامل مؤثر در غارت ملت‌ها می‌دید از این جریان‌ها است. در پروتکل پنجم صهیونیسم آمده: «بذر اختلاف را در خلال بیست قرن بین مردم، از راه نشر تعصبات دینی، نژادی، ملی، عشایری و اغراض شخصی، افشاندیم و از این راه به این حقیقت رسیدیم که هیچ دولتی به تنهایی نخواهد توانست همسایه خود را علیه ما برانگیزاند و کمک بگیرد...» (جناتی، پیشین، ص ۴۰). از این رو لازم شد تا روشن‌فکران و دانشمندان اسلامی با درک موقعیت حساسی که پیش روی مسلمین بود و با شناخت توطئه‌های استعماری به مسئله وحدت اصرار و از مطرح نمودن مسائلی که موجب افتراق مسلمانان می‌شد خودداری ورزند. از جمله آیت‌الله بروجردی که طرح برخی از مباحث، هم‌چون «چه کسی خلیفه است، کدام بر حق است و کدام باطل» را برای جامعه اسلامی امروز، بی‌فایده می‌دانست و خطاب به عالمان شیعه می‌گفت: «مسئله خلافت، امروز مورد نیاز مسلمانان نیست که ما با هم دعوا کنیم» (http://www.irdc.ir).

از دیگر پیش‌گامان تقریب در این دوران می‌توان به سید جمال‌الدین اسدآبادی، سید محسن امین، سید عبدالحسین شرف‌الدین از شیعیان و شیخ محمد عبده، عبدالمجید سلیم و شیخ محمود شلتوت از اهل سنت اشاره کرد. در این میان شیخ محمود شلتوت در هفدهم ربیع الاول، روز میلاد امام صادق (ع)، در حضور نمایندگان مذهب شیعه امامی، شیعه زیدی و مذاهب چهارگانه اهل سنت فتوایی مبنی بر جواز پیروی از فقه شیعه صادر کرد.

## ۲- مقایسه آماری احادیث شیعه و سنی در حوزه اصول و فروع دین

احادیث فراوانی در کتب اربعه و صحاح سته وجود دارد که گاه کاملاً یکسان بوده و در برخی موارد نیز از لحاظ معنایی شبیه هم می‌باشد. اگرچه این احادیث از طریق راویان مختلف نقل شده، ولی

یکسانی در متن آنها می‌تواند اشتراک مسلمانان را در اعتقادات، پررنگ تر کند. از این طریق حتی می‌توان بسیاری از شبهات را در مورد راویان، کتاب‌های حدیثی و طریقه استناد شیعه و سنی به این کتاب‌ها و... پاسخ گفت.

در این بخش، احادیث دو مکتب در دو حوزه اصول و فروع دین، در بخش‌های کتاب الاسلام و الایمان، کتاب النیه و الاخلاص، کتاب الطهاره و کتاب الصلاة بررسی گردیده و ضمن بیان نمونه‌هایی از این احادیث، اطلاعات آماری مربوط به این بخش در پایان ذکر می‌گردد.

### کتاب الاسلام و الایمان

- عن عائشة، قالت: قال رسول الله ﷺ: إن من أكمل المؤمنين إيماناً أحسنهم خلقاً و أطفهم بأهله. (ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۲۲).

- عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام، قال: إن أكمل المؤمنين إيماناً أحسنهم خلقاً. (شیخ کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۹۹).

### کتاب النیه و الاخلاص

- عن ابی هریره، قال: قال رسول الله ﷺ: قال الله تبارک و تعالی: انا اغنی الشركاء عن الشرك من عمل عملاً اشرك فيه معی غیری ترکته و شرکه. (مسلم بن حجاج، ج ۸، ص ۲۲۳).

- عن علی بن سالم، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام، يقول: قال الله عز وجل: أنا خير شريك من أشرك معی غیری فی عمل عمله لم أقبله إلا ما كان لی خالصاً. (شیخ کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۵).

- عن ابن عمر، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: بنى الاسلام على خمس: شهادة ان لا اله الا الله وان محمدا رسول الله واقام الصلاة وإيتاء الزكاة والحج وصوم رمضان. (بخاری، ج ۱، ص ۸؛ مسلم بن حجاج، پیشین، ج ۱، ص ۳۴؛ ترمذی، پیشین، ص ۱۱۹ و نسائی، ج ۸، ص ۱۰۷).

- عن ابن عمر، عن النبي صلى الله عليه وسلم، قال: بنى الاسلام على خمس: على ان يعبد الله و يكفر بما دونه و اقام الصلاة وإيتاء الزكاة وحج البيت وصوم رمضان. (مسلم بن حجاج، پیشین، ص ۳۴).

- عن أبي حمزة، عن أبي جعفر عليه السلام، قال: بنى الاسلام على خمس: على الصلاة والزكاة والصوم والحج والولاية ولم يناد بشيء كما نودى بالولاية. (شیخ کلینی، پیشین، ص ۱۸؛ پیشین، ص ۲۱؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۴ و شیخ طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۴، ص ۱۵۱).

\*\*\*

- عن ابن عباس، عن النبي صلى الله عليه وسلم، قال: إن الله وضع عن أمتي الخطأ والنسيان وما استكرهوا عليه. (يزيد قزوینی، ج ۱، ص ۶۵۹).



- عن أبي عبد الله عليه السلام: قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: وضع عن امتي تسع خصال: الخطاء والنسيان وما لا يعلمون وما لا يطيقون وما اضطروا إليه وما استكروا عليه والطيرة والوسوسة في التفكير في الخلق والحسد ما لم يظهر بلسان أو يد. (شيخ كليني، پیشین، ص ۴۶۳).

\*\*\*

- عن أبي أمامة، عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، أنه قال: من أحب لله و أبغض لله و أعطى لله و منع لله فقد استكمل الايمان. (سجستاني، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۴۰۸).

- عن سهل بن معاذ الجهني، عن أبيه، أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: من أعطى لله و منع لله و أحب لله و أبغض لله و أنكح لله فقد استكمل إيمانه. (ترمذی، پیشین، ص ۷۸).

- عن أبي عبيدة الحذاء، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: من أحب لله و أبغض لله و أعطى لله فهو ممن كمل إيمانه. (شيخ كليني، پیشین، ص ۱۲۴).

#### كتاب النية و الاخلاص

- عن عمر بن الخطاب رضى الله عنه، يخطب قال: سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: يا أيها الناس انما الاعمال بالنية و انما لامرئ ما نوى فمن كان هجرته إلى الله و رسوله فهجرته إلى الله و رسوله و من هاجر إلى دنيا يصيبها أو امرأة يتزوجها فهجرته إلى ما هاجر إليه. (بخارى، ج ۸، ص ۵۹؛ مسلم بن حجاج، پیشین، ج ۶، ص ۴۸؛ قزوینی، ج ۲، ص ۱۴۱۳؛ سجستاني، ج ۱، ص ۴۹۰؛ ترمذی، ج ۳، ص ۱۰۰ و نسائي، ج ۱، ص ۵۸).

- عن عمر بن الخطاب رضى الله عنه، على المنبر قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: انما الاعمال بالنيات و انما لكل امرئ ما نوى فمن كانت هجرته إلى دنيا يصيبها أو إلى امرأة ينكحها فهجرته إلى ما هاجر إليه. (بخارى، ج ۱، ص ۲).

- روى عن النبي صلى الله عليه وآله انه قال: الاعمال بالنيات. و روى بلفظ آخر و هو انه قال: انما الاعمال بالنيات و لكل امرئ، ما نوى. (شيخ طوسى، پیشین، ج ۴، ص ۱۸۶).

\*\*\*

- عن سعيد الطائي أبي البختری، أنه قال: حدثني أبو كبشة الانمارى أنه سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: ثلاث أقسم عليهن و احدثكم حديثا فاحفظوه. قال ما نقص مال عبد من صدقه، و لا ظلم عبد مظلمة صبر عليها إلا زاده الله عزاء، و لا فتح عبد باب مسألة إلا فتح الله عليه باب فقر أو كلمة نحوها، و احدثكم حديثا فاحفظوه. (ترمذی، ج ۳، ص ۳۸۵).

- ما نقص مال من صدقة. (شيخ صدوق، پیشین، ج ۴، ص ۳۸۱).

- عن محمد بن مسلم، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: اتبعوا قول رسول الله صلى الله عليه وآله، فإنه قال: من فتح على نفسه باب مسألة فتح الله عليه باب فقر. (شيخ كليني، پیشین، ج ٤، ص ١٩ و شيخ صدوق، ج ٢، ص ٧٠).

### كتاب الطهارة

- عن ابن عمر، عن النبي ﷺ، انه قال: من توضأ على طهر كتب الله له به عشر حسنات. (مسلم بن حجاج، پیشین، ج ١، ص ٤١ و ٤٣؛ سجستاني، پیشین، ج ١، ص ٢٢ و قزويني، ج ١، ص ١٧٠).

- عن سعدان، عن بعض أصحابه، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: الطهر على الطهر عشر حسنات. (شيخ كليني، پیشین، ج ٣، ص ٧٢).

- عن جابر، عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، انه نهى ان ييال في الماء الراكد. (مسلم بن حجاج، پیشین، ج ١، ص ١٦٢؛ قزويني، پیشین، ص ١٢٤ و نسائي، ج ١، ص ٣٤).

- عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، قال: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله عن... و نهى أن يبول أحدكم في الماء الراكد فإنه منه يكون ذهاب العقل... (شيخ صدوق، ج ٤، ص ٣).

- عن الفضيل، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: لا بأس أن يبول الرجل في الماء الجاري و كره أن يبول في الماء الراكد. (شيخ طوسي، ١٣٦٣ ش، ج ١، ص ١٣؛ و همو، ١٣٦٥، ج ١، ص ٣١ و ٤٣).

\*\*\*

- عن أبي ايوب الانصاري، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إذا أتى أحدكم الغائط فلا يستقبل القبلة و لا يولها ظهره شرقاً أو غرباً. (بخاري، ج ١، ص ٤٥؛ مسلم بن حجاج، پیشین، ص ١٥٤؛ قزويني، پیشین، ص ١١٥؛ سجستاني، پیشین، ج ١، ص ١١؛ ترمذی، ج ١، ص ٨ و نسائي، ج ١، ص ٢٢).

- عن عيسى بن عبد الله الهاشمي، عن أبيه، عن جده، عن علي عليه السلام، قال: قال النبي صلى الله عليه وآله: إذا دخلت المخرج فلا تستقبل القبلة و لا تستدبرها ولكن شرقوا أو غربوا. (شيخ طوسي، ١٣٦٣ ش، ج ١، ص ٤٧).

\*\*\*

- عن أبي هريرة، أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: من اكتحل فليوتر، من فعل فقد أحسن، و من لا، فلا حرج. (قزويني، پیشین، ج ٢، ص ١١٥٧).

- عن أبي هريرة، عن النبي صلى الله عليه وسلم، قال: من اكتحل فليوتر، من فعل فقد أحسن و من لا فلا حرج، و من استجمر فليوتر، من فعل فقد أحسن و من لا فلا حرج... (سجستاني، پیشین، ص ١٦).

\*\*\*

- عن ابن القداح، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: من اكتحل فليوتر و من فعل فقد أحسن و من لم يفعل فلا بأس. (شيخ كليني، پیشین، ج ۶، ص ۴۹۵).

\*\*\*

- عن أبي هريرة رضى الله عنه، ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: لولا ان اشق على امتي أو على الناس لامرتهم بالسواك مع كل صلاة. (بخارى، ج ۱، ص ۲۱۴؛ مسلم بن حجاج، پیشین، ج ۱، ص ۵۱؛ قزوینی، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۵؛ سجستانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۹؛ ترمذی، ج ۱، ص ۱۸ و ۱۹ و نسائی، ج ۱، ص ۱۲).  
- قال أبو هريرة، عن النبي صلى الله عليه وسلم: لولا أن أشق على أمتي لامرتهم بالسواك عند كل وضوء. (بخارى، ج ۲، ص ۲۳۴).

- عن عبد الله بن ميمون القداح، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال:.... قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لولا أن أشق على امتي لامرتهم بالسواك مع كل صلاة. (شيخ كليني، پیشین، ج ۳، ص ۲۲).  
- و قال النبي صلى الله عليه وآله: لو لا أن أشق على أمتي لامرتهم بالسواك عند وضوء كل صلاة. (شيخ صدوق، پیشین، ج ۱، ص ۵۵).

\*\*\*

- قالت عائشة عن النبي صلى الله عليه وسلم: السواك مطهرة للفم مرضاة للرب. (بخارى، ج ۲، ص ۲۳۴؛ قزوینی، پیشین، ص ۱۰۶ و نسائی، ج ۱، ص ۱۰).  
- قال أمير المؤمنين عليه السلام: السواك مطهرة للفم و مرضاة للرب. (شيخ كليني، پیشین، ج ۶، ص ۴۹۵).

### كتاب الصلاة

- عن ابن مسعود، ان رجلا سأل النبي ﷺ اى الاعمال افضل؟ قال: الصلاة لوقتها و بر الوالدين ثم الجهاد فى سبيل الله. (بخارى، پیشین، ج ۸، ص ۲۱۲).  
- عن منصور بن حازم، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: قلت: أى الاعمال أفضل؟ قال: الصلاة لوقتها و بر الوالدين و الجهاد فى سبيل الله عز وجل. (شيخ كليني، پیشین، ج ۲، ص ۱۵۸).  
- عن ربيعة بن كعب الاسلمى، قال: كنت ابیت مع رسول الله صلى الله عليه وسلم فاتيته بوضوئه و حاجته فقال لى: سل، فقلت: اسألک مرافقتک فى الجنة، قال: أو غير ذلك قلت: هو ذاك قال: فاعنى على نفسك بكثره السجود. (مسلم بن حجاج، پیشین، ج ۲، ص ۵۲؛ سجستانی، پیشین، ص ۲۹۷ و نسائی، ج ۲، ص ۲۲۷).  
- و أتى رجل رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: ادع الله أن يدخلنى الجنة، فقال له: أعنى بكثره السجود. (شيخ صدوق، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۲۱۰ و شيخ طوسى، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۲۳۶).

- عن أبي هريرة، قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: لولا أن أشق على أمتي لاخرت صلاة العشاء إلى ثلث الليل أو نصف الليل. (قزويني، پيشين، ج ۱، ص ۲۲۶ و ترمذی، ج ۱، ص ۱۰۹).

- عن أبي بصير، عن أبي جعفر عليه السلام، قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: لولا أن أشق على أمتي لاخرت العشاء إلى ثلث الليل. و روى أيضا إلى نصف الليل. (شيخ كليني، پيشين، ج ۳، ص ۲۸۱؛ شيخ طوسي، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۲۵۸ و همو، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۲۵۳).

\*\*\*

- عن نافع، عن ابن عمر، قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: الوقت الاول من الصلاة رضوان الله، و الوقت الاخر عفو الله. (ترمذی، ج ۱، ص ۱۱۱).

- و قال الصادق عليه السلام: أول الوقت رضوان الله و آخره عفو الله، و العفو لا يكون إلا من ذنب. (شيخ صدوق، پيشين، ص ۲۱۷).

\*\*\*

- عن علي رضي الله عنه، قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: مفتاح الصلاة الطهور، و تحريمها التكبير، و تحليلها التسليم. (سجستاني، پيشين، ج ۱، ص ۲۲ و ۱۴۷؛ قزويني، پيشين، ص ۱۰۱ و ترمذی، ج ۱، ص ۵).

- عن القداح، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله افتتاح الصلاة الوضوء و تحريمها التكبير و تحليلها التسليم. (شيخ كليني، پيشين، ص ۶۹ و شيخ صدوق، پيشين، ج ۱، ص ۳۳).

\*\*\*

- عن أبي هريرة، قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: ما بين المشرق و المغرب قبلة. (قزويني، پيشين، ص ۳۲۳؛ ترمذی، ج ۱، ص ۲۱۴ و نسائي، ج ۴، ص ۱۷۲).

- و روى زرارة، عن أبي جعفر عليه السلام، أنه قال: لا صلاة إلا إلى القبلة، قال: قلت: و أين حد القبلة؟ قال: ما بين المشرق و المغرب قبلة كله... (شيخ صدوق، پيشين، ص ۲۷۸).

## ۲- پیامدهای بررسی مقایسه‌ای احادیث دو مذهب اتحاد اسلامی

بسیاری از اختلافات موجود میان شیعه و اهل سنت، ناشی از سوء تفاهمات و عدم شناخت صحیح دو مکتب از یکدیگر است. این سوء تفاهمات در روابط پیروان مذاهب شیعه و سنی، در میان عامه مردم بیشتر ملموس است. منشأ این اختلافات، گاه متأسفانه از درون جامعه مسلمانان

است. إنما أتم إخوان على دين الله، ما فرق بينكم إلا خبث السرائر، وسوء الضمائر... (ری شهری، پیشین، ج ۱، ص ۷۶۶) و گاهی نیز تبلیغات سوئی که از طرف استعمار در جهت واگرایی مسلمین صورت گرفته، این اختلافات را تشدید کرده است. به صراحت باید اعلام کرد که موانع ریشه‌دار تقریب میان مذاهب، در عمق جوامع اسلامی اعم از شیعه و سنی، نه چیزی است که بتوان آن را نادیده گرفت و نه بتوان به راحتی آن را حل کرد. حل مشکلات و عوامل جدایی مسلمانان، نیازمند گفت‌وگوها و پژوهش‌های علمی در این مورد است، تا به حقیقت، جنبه‌های مختلف اشتراک و هم‌گرایی مسلمین روشن شود.

با مقایسه احادیث دو فرقه نشان داده شد که اگرچه در نگاه اول ممکن است - بر اثر اختلافات در مبانی پذیرش حدیث - صحت احادیث دو فرقه از نگاه یک‌دیگر مورد تردید قرار گیرد، ولی با توجه به یکسانی و هم‌پوشانی این احادیث با احادیث مورد قبول خود، و با حذف برخی مبانی، راهی به سوی اشتراک و نزدیکی مذاهب وجود دارد. احادیثی که به عنوان نمونه در بخش قبل جمع‌آوری شد، گوشه‌ای از این نمایش است.

#### تقویت جریان نقل به معنای حدیث:

در نگاه اول به احادیث یکسان دو فرقه، مشاهده می‌شود که این احادیث با الفاظ متفاوت نقل شده است؛ از این رو ممکن است هم‌پوشانی آنها مورد تردید واقع شود. باید یادآور شد که با وجود چنین تفاوتی، شباهت محتوایی نفی نمی‌شود. در واقع این تفاوت در الفاظ، حاصل جریان نقل به معنا است.

حسین بن عبد الصمد پدر شیخ بهائی معتقد است اکثریت گذشتگان و علمای حال از فرقه‌های مختلف، به جواز نقل به معنا حکم داده‌اند، به این شرط که از رسیدن معنا به طور تمام و کمال، یقین حاصل شود. (عاملی، ص ۱۵۲).

در میان علمای اهل سنت، با صراحت بیشتری به جواز جریان نقل به معنا اشاره شده است، به گونه‌ای که آن را روش متداول محمد بن اسماعیل بخاری برشمرده‌اند. در مقابل قول جواز نقل به معنا، دسته‌ای از علما به منع آن قائل می‌باشند و دلایلی را نیز بر آن اقامه می‌کنند، از جمله این‌که این شیوه نقل حدیث موجب دگرگونی معنا و اختلال در مقصود می‌گردد. گفته شده که شیوه برخی از محدثان بزرگ چون محمد بن مسلم نیز در نقل حدیث، نقل به الفاظ بوده است.<sup>۱</sup>

۱- تهانوی می‌گوید: «ان البخاری کتبه من حفظه و لم یراع اللفظ کما عرف من مذهبه فی تجویز ذلک، بخلاف مسلم فانه یحافظ علی اللفظ کثیرا... و هذه مزیه عظیمه لمسلم امتاز بها... و من هاهنا رجح بعضهم کتاب مسلم علی کتاب البخاری.» (عثمانی تهانوی، ۴۵۱ و ۴۵۲).

علاوه بر دو دیدگاه پیشین عده‌ای هم به تفصیل بین احادیث نبوی و غیرنبوی قائل می‌باشند؛ به این معنا که نقل به معنا نسبت به احادیث غیر نبوی جایز و نسبت به احادیث نبوی ممنوع می‌باشد. (طیبی، ۱۳۹۱ ق، ص ۱۱۶).

در نهایت با توجه به حجم انبوهی از احادیثی که با رویکرد نقل به معنا در کتاب‌های روایی مهم شیعه و سنی نقل شده است این نتیجه مهم به دست می‌آید که اصرار به قبول احادیثی که نقل به الفاظ شده است و کنار گذاشتن احادیث دارای ویژگی نقل به معنا یا دست دوم و کم‌اهمیت شمردن آنها بخش زیادی از دستگاه حدیث را از کار می‌اندازد. بنابراین پس از گریزناپذیر دانستن روند نقل به معنای حدیث و پی بردن به آمار بالای چنین احادیثی در کتاب‌های روایی دو مذهب، به یکی از نتایج ارزشمند بررسی مقایسه‌ای احادیث شیعه و سنی پی‌می‌بریم، زیرا مشخص گردید که هر دو فرقه تا چه اندازه به احادیثی که نقل به معنا شده است، تکیه می‌کنند.

### جایگاه و اهمیت علم رجال

الف - دیدگاه اهل سنت در مورد راویان شیعه و پذیرش روایات آنها:

در تاریخ نقل حدیث، رجالیان و محدثان اهل سنت ملاک‌های متعددی برای پذیرش روایات راویان داشته‌اند و شیوه معمول آن بوده که از هرکسی روایات نقل نمی‌کرده‌اند. مسلم در صحیح خود آورده که: «به هر شخصی لازم است که میان روایات صحیح و سقیم تمییز دهد و روات ثقه را از راویان متهم به کذب بشناسد و از آنها روایت نکند مگر آن‌که صحت منبعش را بداند.» (مسلم بن حجاج، پیشین، ج ۱، ص ۶). از این رو بسیاری از راویان که از نظر محدثان و رجالیان اهل سنت دارای انحراف فکری بودند، جرح می‌شدند. از این منحرفان فکری با عنوان «اهل الاهوا» و یا «اهل البدع» یاد می‌کنند که شامل شیعیان، خوارج، معتزله و... می‌شود.

بدین جهت، چون جایگاه راوی در سند حدیث است، با جرح و تضعیف راوی، سند حدیث نیز ضعیف شمرده می‌شود و به دنبال آن حدیث از درجه اعتبار و صحت ساقط و متن رها می‌شود. از این رو محدثان اهل سنت از روایت چنین راویانی محروم می‌مانند.

باید یادآور شد در صورتی که روایات راویان شیعی رد شود، بخش زیادی از احادیث پیامبر ﷺ از بین خواهد رفت. از این رو برخی خواسته‌اند شیوه محدثین بزرگ اهل سنت چون بخاری و مسلم را به گونه‌ای جلوه دهند که گویا آنها از شیعیان روایت نقل کرده‌اند. به این جهت گفته‌اند: بخاری و مسلم و دیگر ائمه حدیث از شیعیان نقل کرده‌اند. (جوابی، ص ۳۸۰). از این رو تصور می‌شود محدثین اهل

سنت دست‌کم از بسیاری از شیعیان متقدم حدیث نقل کرده و روایات آنها را در کتاب‌های حدیثی خود آورده باشند.<sup>۱</sup>

از سویی دیگر، نمی‌توان این مطلب را نادیده گرفت که محدثان اهل سنت نسبت به روات شیعی حساس بوده و به راحتی از آنها روایت نقل نمی‌کرده‌اند؛ برای مثال، بخاری علی بن هاشم بن برید را، ضمن این‌که این معین او را ثقه می‌داند، در تشیع غالی دانسته و به این دلیل از وی روایتی نیاورده است. بخاری به شدت از نقل حدیث شیعیان اجتناب می‌کرده، زیرا از اعتقاد شیعیان به تقیه می‌ترسیده است. وی چنین اجتنابی از قدریه، خوارج و جهمیه نداشت است، زیرا [بر این اعتقاد بوده که این گروه‌های غیرشیعی به رغم بدعتشان، بر صداقت پایبندند. (ر.ک: ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص ۱۶۰). اما در این تحقیق با بررسی یکسانی احادیث، نتایج جالبی به دست آمد. هم‌پوشانی احادیث نشان می‌دهد که گرچه راوی شیعی از طرف رجالیان و محدثان اهل سنت جرح شده ولی متن روایت او از طریق دیگری در منابع اهل سنت آمده است و این مسئله جای تأمل دارد و می‌تواند دیدگاه جدیدی را در مورد دیگر روایات راوی مذکور، به وجود آورد. نمونه زیر تأیید‌کننده این مطلب است:

- عن عبد الله بن عمرو، عن النبي ﷺ، قال: المسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده والمهاجر من هجر ما نهى الله عنه. (بخاری، ج ۱، ص ۸؛ مسلم بن حجاج، پیشین، ج ۱، ص ۴۸ و سلیمان بن اشعث، پیشین، ج ۱، ص ۵۵۶).

- عن أبي هريرة، قال: قال رسول الله ﷺ: المسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده، والمؤمن من أئمنه الناس على دمائهم وأموالهم. (ترمذی، پیشین، ج ۴، ص ۱۲۸ و نسائی، پیشین، ج ۸، ص ۱۰۴).

- عن سليمان بن خالد، عن أبي جعفر ع، قال: قال رسول الله ﷺ: ألا انبئكم بالمؤمن؟ من أئمنه المؤمنون على أنفسهم وأموالهم. ألا انبئكم بالمسلم؟ من سلم المسلمون من لسانه ويده و المهاجر من هجر السيئات... (شیخ کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۲۳۳ و ۲۳۵).

### ب - دیدگاه شیعه در مورد راویان اهل سنت و پذیرش روایات آنها:

از سویی دیگر رجالیان و محدثان شیعه نیز در پذیرش روایت راویان اهل سنت جانب احتیاط را رعایت کرده‌اند و برای قبول روایت راوی شروط متعددی قرار داده‌اند. از نظر شیعه، راوی باید دارای

۱- مؤید این مطلب در «الکفایه» این‌گونه آمده است: (علی بن مدینی به یحیی بن سعید گفت: عبدالرحمن بن مهدی می‌گوید: من اخبار هریک از اهل حدیث را که جزء مبتدعه باشند بلکه از بزرگان آنها هم باشند کنار می‌گذارم. یحیی خندید و عده بسیاری از روات از اهل این فرقه را مانند قتاده برشمرد و گفت: اگر عبدالرحمن این موارد را کنار بگذارد عده زیادی را از دست داده است. بعد علی بن مدینی گفت: اگر اهل بصره را به خاطر قدری بودن و اهل کوفه را به خاطر رأی نادیده‌گیری همه کتاب‌ها از بین رفته و نابود می‌شوند.) (خطیب بغدادی، ۴۰۵ق، ص ۱۵۷).

این شرایط باشد: عقل، بلوغ، ایمان، عدالت و ضبط. (عاملی، پیشین، ص ۱۸۷؛ بصری، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۰ و ۳۱ و مامقانی، ۱۴۱۱ ق، ص ۵۳-۱۳). محقق بحرانی معتقد است با توجه به احادیث فراوانی که در باب ایمان آمده، ایمان تنها برای امامی اثنی عشری قابل تصور است.<sup>۱</sup> شهید ثانی در مسالک الافهام یکی از دو معنای ایمان را شیعه اثنی عشری بودن دانسته است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۵، ص ۳۳۷).

از این رو مشاهده می‌شود که شیعیان نیز در نقل روایت از روایان اهل سنت، جانب احتیاط را رعایت کرده و اهلیت عده‌ای از آنها را برای نقل حدیث تأیید نمی‌کرده‌اند و در نتیجه، از روایات آنها محروم می‌مانده‌اند. یکی از این روایان که شیعه حساسیت ویژه‌ای نسبت به او دارد، صحابی پیامبر ﷺ، ابوهریره است. درباره دیدگاه شیعه در مورد ابوهریره همین بس که در کتاب‌های حدیثی شیعه روایتی وجود دارد که ابوهریره را یکی از کسانی معرفی می‌کند که بر پیامبر ﷺ دروغ می‌بسته است. (مجلسی، پیشین، ج ۲، ص ۲۱۷). علی‌علیه به صراحت او را تکذیب می‌کرد. عمر او را متهم و به خاطر کثرت نقل از پیامبر ﷺ امر و نهی می‌کرد. عایشه نیز به صراحت مخالفت خود را با او نشان داده است. (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۷۸). نقل است که امام علی‌علیه در مورد او فرمود: «ألا ان أكذب الناس أو قال: أكذب الاحیاء علی رسول الله - صلی الله علیه و آله - أبو هريرة الدوسی» (ابن ابی الحدید، پیشین، ج ۴، ص ۶۸ و ازدی نیشابوری، ص ۴۹۶).

با وجود نقل‌های فراوان در مورد ابوهریره و فارغ از درگیری‌های رجالی، شکی نیست که بیشترین روایات اهل سنت از پیامبر ﷺ از طریق او رسیده است، به گونه‌ای که گفته‌اند ۵۳۷۴ حدیث مسند از او رسیده و بخاری به تنهایی ۴۴۶ حدیث از او نقل کرده است. (نجمی، ۱۴۱۹ ق، ص ۹۹). بنابراین، اگرچه طبق اعتراف خود وی، او گاهی استنباطش را به پیامبر ﷺ نسبت می‌داده و طبق نظر شیعه به جعل حدیث نیز می‌پرداخته است، ولی با وجود نقل احادیث فراوان از وی نمی‌توان گفت که او در مورد تمام این احادیث همین رویه را داشته است و اگر شیعه بخواهد حکم به عدم صحت متن و بدنه روایات وی بدهد، باید بسیاری از احادیث موجود در کتب اربعه را نیز نادرست بداند. پس آیا - همان گونه که عده‌ای معتقدند - جایز خواهد بود که تمام روایات وی کنار گذاشته شود؟ باید یادآور شد، طبق آماری که از بررسی هم‌پوشانی احادیث شیعه و سنی استخراج گردید، این نتیجه به دست آمد که بیشترین هم‌پوشانی‌ها در حوزه روایاتی است که ابوهریره آنها را نقل کرده است.<sup>۲</sup> گرچه محور اصلی نقد روایان دو مذهب از سوی یک‌دیگر، بدعت بوده است و همواره محورهای

۱- محقق بحرانی، ج ۲، ص ۲۰۲-۲۰۴. شیخ مفید هر آن کس را که امامت یکی از ائمه را انکار نماید در زمره کفار گمراه که جاودان در آتش‌اند برشمرد است. (شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۴).

۲- برای یافتن این اطلاعات، مراجعه کنید به داده‌های آماری که در فصل قبل ارائه گردید.



اعتقادی که از سوی طرف مقابل بدعت و انحراف به حساب می‌آمده، کانون جرح‌ها و تعدیل‌ها بوده است، بررسی انجام شده در این مقاله نه تنها خطا بودن نقد راویان با محوریت بدعت را نشان می‌دهد، بلکه خطا بودن آن را با دیگر بهانه‌های جرح نیز اثبات می‌کند، زیرا همه این غوغاها بر سر سندهایی است که به دنبال خود، وحدت متن یا نزدیکی آنها را دارند؛ به بیان دیگر بررسی مقایسه‌ای احادیث دو مذهب دو پیام مهم دارد: اول آن‌که وقتی یک متن از دو طریق کاملاً متفاوت شیعه و سنی نقل می‌شود و هر دو راه به یک مقصد می‌رسد، دیگر نقد و جرح راویان به ویژه از زاویه اختلاف برانگیز و نامهربانی‌آفرین (یعنی از زاویه کلامی - گرایشی)، چه ثمره‌ای جز سوءتفاهم و واگرایی خواهد داشت؟

دوم آن‌که پی‌گیری و پیدا کردن و نشان دادن متن‌های مشترک یا بسیار نزدیک احادیث دو مذهب نشان می‌دهد که درگیری‌های مذهبی مسلمانان در طول تاریخ، تا چه اندازه غیر قابل دفاع و تأسف برانگیز بوده است، زیرا دغدغه اصلی دانشمندان دو مذهب، تقویت ارزش‌های مورد قبول خود و تلاش در دفاع از آنها بوده است؛ ارزش‌ها و آموزه‌هایی که باید آنها را در متن و بدنه حدیث پیدا کرد و از قضا نشان داده شد که این ارزش‌ها چقدر به هم نزدیک و با هم سازگارند. بنابراین جای تعجب و تأسف دارد که چگونه حامیان ارزش‌های یکسان به خاطر رانده شدن به بحث‌های حاشیه‌ای، به جای آن‌که هم‌دل و هم‌جهت باشند، از یک‌دیگر دلگیر و جدا زیسته‌اند !!

### حل مشکل پاره‌ای از احادیث ضعیف

با بررسی هم‌پوشانی احادیث و مقایسه آنها می‌توان به بسیاری از درگیری‌های رجالی پایان داد و از صحت صدور برخی از احادیث اطمینان حاصل کرد. علاوه بر اینها، ما معتقدیم با این مقایسه‌ها، هم‌چنین می‌توان به صحت صدور برخی از احادیث دیگر که شاید در نگاه اول دارای ضعف سندی یا متنی باشند، حکم داد. مصادیق احادیث ضعیف را تا دوازده نوع دانسته‌اند. (صبحی صالح، ۱۳۷۶ش، ص ۱۲۶) و چنان که می‌دانیم، با اثبات ضعف حدیث، عمل به آن جایز نخواهد بود.

### - حدیث متروک

متروک در اصطلاح محدثان عبارت است از حدیثی که یک راوی متهم به کذب یا فسق یا غفلت و یا کثیرالوهم آن را نقل کرده باشد. (پیشین، ص ۱۵۶). از متروک گاه به منکر و مردود نیز تعبیر شده است. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، هریک از محدثان دو فرقه در پذیرش حدیث راویان فرقه مقابل، حساسیت ویژه‌ای داشته‌اند؛ برای مثال، اهل سنت اهل بدعت را کافر یا فاسق می‌دانسته‌اند

(خطیب بغدادی، پیشین، ص ۱۴۸). طبق تعریف حدیث متروک، بسیاری از احادیث این گروه از راویان، در رده همین نوع قرار می‌گیرد. به علاوه، چه بسیار راویانی که از طرف فرقه مقابل متهم به کذب می‌شده‌اند. این در حالی است که گویا محدثان توجه نداشته‌اند که حدیثی را که همین راوی فاسق یا متهم به کذب نقل کرده، از طریقی دیگر در کتاب‌های خود آورده‌اند. برای مثال، در حدیثی از جابر جعفی آمده است:

«عن جابر الجعفی، عن ابی جعفر ع، قال: خرج رسول الله ص یوم النحر إلی ظهر المدینة علی جمل عاری الجسم فمر بالنساء فوقف علیهن ثم قال: یا معاشر النساء تصدقن وأطعن أزواجکن فإن أكثرن فی النار... فقال لها رسول الله صلی الله علیه و آله: إنکن کافرات بحق أزواجکن». (شیخ کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۵۱۴).

در نزد شیعه در مورد جابر عباراتی هم چون «صدوق»، «ما رأیت أروع بالحديث من جابر» (شیخ طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۴۶) و «محدث إمامی ثقة» (شبهستری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۸۰) بیان شده است. از امام صادق ع در مورد وی نقل شده که: «رحم الله جابر الجعفی کان یصدق علینا» (شیخ طوسی، پیشین، ص ۴۳۶ و حلی، ۱۳۹۲ق، ص ۶۱).

اما رجالیان اهل سنت وی را به کذب متهم کرده و درباره او عبارات «جابر الجعفی فکان واللہ کذابا»، (یحیی بن معین، ج ۱، ص ۲۱۶) «عن أبی حنیفة قال: ولا لقیة أكذب من جابر الجعفی» (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۸۳) به کار برده‌اند. با توجه به این عبارات می‌توان گفت که روایت جابر نزد اهل سنت روایت متروک شمرده می‌شود. با وجود این و با مقایسه احادیث دو فرقه، در کتاب‌های حدیثی اهل سنت به حدیثی بر می‌خوریم که مشابه حدیث جابر می‌باشد:

- عن عبد الله بن عمر، عن رسول الله ص انه قال: یا معشر النساء تصدقن وأکثرن الاستغفار فانی رأیتکن اکثر اهل النار فقالت امرأة منهن جزلة: و مالنا یارسول الله اکثر اهل النار؟ قال: تکثرن اللعن وتکفرن العشیر... (مسلم بن حجاج، پیشین، ج ۱، ص ۶۱ و قزوینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۳۲۶). از این نمونه‌ها در کتاب‌های معتبر حدیثی زیاد مشاهده می‌شود.

### نتیجه:

در طول تاریخ اسلام، اختلافات فرقه‌ها از سوء تفاهمات و عدم شناخت درستشان از یکدیگر ناشی شده و برطرف نمودن آنها نیازمند تحقیق و تفحص علمی است. از این رو ارائه راه کارهای علمی از نیازهای آرمان تقریب است که با اوج گیری فتنه انگیزی خارجی، تشدید شده است. مقایسه احادیث دو فرقه اسلامی و پررنگ نمودن یکسانی آنها که راهی را در جهت تقریب مذاهب و رفع

کینه‌ها و دشمنی‌ها می‌گشاید، از مهم‌ترین نتایج این تحقیق است. در این نوشتار هم‌چنین این راه‌کارها برای رفع ناهم‌گونی‌ها و شکاف‌هایی که در زمینه نقل و نشر حدیث میان فرقه‌های اسلامی ایجاد شده، ارائه می‌گردد.

بازنگری در روش نقد راویان: پرداختن به مباحث رجالی و مرجع قرار دادن مبانی آنها، باعث حذف راویان و ریزش روایات می‌شود. در حالی که هم‌پوشانی و مقایسه تطبیقی احادیث نشان می‌دهد که پیام و محتوای روایت راویانی که به نظر در ابتدا دارای چنین وضعی هستند، در کتاب‌های معتبر حدیثی منعکس شده است و از این جهت دیدگاه جدیدی برای پذیرش روایت این راویان، به وجود می‌آورد. این تحقیق درگیری‌های رجالی دو مذهب را که به تضعیف وجهه راویان منجر می‌شود، به چالش می‌کشد و راهی را برای استناد پیروان دو فرقه به احادیث یک‌دیگر می‌گشاید. تقویت جریان نقل به معنای حدیث: مقایسه احادیث دو فرقه نشان می‌دهد که بیشتر احادیث موجود در کتاب‌های معتبر حدیثی، دارای ویژگی نقل به معنا می‌باشد. از این رو در صورت پذیرش قول «منع نقل به معنا» بسیاری از احادیث باید کنار گذاشته شود. یافتن احادیثی که نقل به معنا در آنها صورت‌گرفته، استفاده‌های فقه‌الحدیثی فراوان دارد که با این مقایسه، دسترسی به آنها آسان‌تر شده است.

حل مشکل پاره‌ای از احادیث ضعیف: با مقایسه احادیث دو مذهب می‌توان به صحت صدور برخی از احادیث حکم داد که شاید در نگاه اول، دارای ضعف سندی یا منتهی می‌باشند.

## منابع و مأخذ:

- ۱- ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ چهارم، ج ۴.
- ۲- ابن کثیر، ابی الفداء اسماعیل، البدایة و النهایة، تحقیق علی شیری، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ج ۶، ۱۰، ۱۴۰۸.
- ۳- احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، قم، چاپ دار صادر، بیروت، ج ۲.
- ۴- احمد بن حنبل، مسند احمد، دار صادر، بیروت، ج ۴.
- ۵- ازدی نیشابوری، فضل بن شاذان، الايضاح، تحقیق سید جلال الدین حسینی.
- ۶- استبصار، ج ۱.
- ۷- امیر اردوش، محمد حسین، تأملی بر مسئله وحدت اسلامی از دیرباز تا دیروز، مجمع جهانی تقریب مذاهب، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

- ۸- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، ج ۷.
- ۹- برنجکار، رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۰- بصری، أحمد بن عبد الرضا، فائق المقال فی الحدیث و الرجال، تحقیق غلامحسین قیصریه‌ها، دارالحدیث، چاپ اول ۱۳۸۰ ش.
- ۱۱- بیاتی، خان بابا، تاریخ نظامی ایران جنگ‌های دوره صفوی، ستاد بزرگ ارتش‌تاران، ۱۳۵۳ ش.
- ۱۲- تاریخ ایران دوره صفویه، پژوهشی از دانشگاه کمبریج، ترجمه دکتر یعقوب آژند، اول ۱۳۸۰ ش.
- ۱۳- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، دارالفکر، بیروت، ج ۴، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۴- تهذیب الاحکام، ج ۴.
- ۱۵- تهوری، مسلم، منادیان تقریب ۳، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۶- جناتی، محمد ابراهیم، همبستگی ادیان و مذاهب اسلامی، انتشارات انصاریان، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۷- جوابی، محمد طاهر، الجرح و التعديل بين المتشددین و المتساهلین، الدار العربیة للکتاب.
- ۱۸- حلی، تقی الدین بن داود، رجال ابن داود، المطبعة الحیدریه، نجف، ۱۳۹۲ ق.
- ۱۹- ذهبی، ابو عبدالله شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب ارنووط و حسین اسد، مؤسسه الرسالة، بیروت، چاپ نهم، ج ۵، ۱۴۱۳ ق.
- ۲۰- ذهبی، ابو عبدالله شمس الدین، میزان الاعتدال، تحقیق محمد علی بجای، دارالمعرفه، بیروت، چاپ اول، ج ۳، ۱۳۸۲ ق.
- ۲۱- ری شهری، محمد، میزان الحکمة، انتشارات دار الحدیث، چاپ اول، ج ۱.
- ۲۲- سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، تحقیق سید محمد اللحام، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ج ۲، ۱۴۱۰ ق.
- ۲۳- سنن ابی داود، ج ۲.
- ۲۴- سیوری، راجر (م)، تحقیقاتی در تاریخ ایران عصر صفوی، ترجمه عباس قلی غفاری فرد و محمد باقر آرام، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- ۲۵- سیوطی، جلال الدین، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ج ۱، ۱۴۰۱ ق.

- ۲۶- شبستری، عبدالحسین، اصحاب امام صادق عليه السلام، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول، ج ۱، ۱۴۱۸ق.
- ۲۷- شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد بهشتی، انتشارات تابان، قم، ۱۳۷۹ش.
- ۲۸- شعبانی، رضا، تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه، سمت، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
- ۲۹- شهید ثانی، مسالک الافهام، تحقیق مؤسسه معارف اسلامی، قم، چاپ اول، ج ۵، ۱۴۱۳ق.
- ۳۰- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ش.
- ۳۱- شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، ج ۲، ۱۴۰۴ق.
- ۳۲- شیخ طوسی، استبصار، تحقیق سید حسن خراسانی، چاپ خورشید، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۳ ش.
- ۳۳- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن خراسانی، چاپ خورشید، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم ۱۳۶۵ ش.
- ۳۴- شیخ کلینی، کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ج ۲، ۳، ۱۳۸۸ق.
- ۳۵- شیخ مفید، المسائل الصاغانیه، تحقیق سید محمد قاضی، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- ۳۶- صبحی صالح، علوم حدیث و اصطلاحات آن، ترجمه و تحقیق دکتر عادل نادر علی، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- ۳۷- طبری، ابن جریر، تاریخ الامم و المملوک (تاریخ طبری)، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ج ۴، ۲، ۵.
- ۳۸- طیبی، حسین بن عبدالله، الخلاصه فی اصول الحدیث، تحقیق صبحی سامرائی، احیاء التراث الاسلامی، بغداد، ۱۳۹۱ ق.
- ۳۹- عاملی، حسین عبدالصمد، وصول الاخیار الی اصول الاخبار، تحقیق سید عبداللطیف کوهکمری، چاپ خیام، مجمع الذخائر الاسلامی، قم.
- ۴۰- قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، دارالفکر، بیروت، ج ۱.

- ۴۱- مامقانی، عبدالله، مقیاس الهدایة فی علم الدراية، تحقیق محمد رضا مامقانی، مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- ۴۲- متقی هندی، کنز العمال، تحقیق شیخ بکری حیانی و شیخ صفوة الصقا، مؤسسه الرسالة، بیروت، ج ۳.
- ۴۳- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه وفاء، بیروت، چاپ دوم، ج ۵۸، ۳۲، ۱۵، ۱۴۰۳ق.
- ۴۴- محقق بحرانی، الحدائق الناضرة، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ج ۲۲.
- ۴۵- مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، دار الفکر، بیروت، ج ۸، ۱.
- ۴۶- من لایحضره الفقیه، ج ۲.
- ۴۷- نجمی، محمد صادق، اضواء علی الصحیحین، مؤسسه معارف اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- ۴۸- نسائی، احمد بن شعیب، سنن نسائی، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ج ۸، ۱۳۴۸ ق.
- ۴۹- یحیی بن معین، تاریخ ابن معین الدوری، تحقیق عبدالله احمد حسن، دار القلم، ج ۱.
- ۵۰- [www.http://taghrib.ir](http://taghrib.ir)
- ۵۱- [www.irdc.ir](http://www.irdc.ir)

